



رابطه هویت زبانی فارسی‌زبانان و استفاده از آن به‌عنوان زبان مادری یا زبان دوم با رعایت هنجارهای زبانی فارسی نوشتاری معیار در فضای مجازی (تلگرام)


 هوشیار رشیدی

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.


 عادل دست‌گشاده*

استادیار گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.


 محمد صدیق زاهدی

استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان استان کردستان، سنندج، ایران.

چکیده

این مقاله به بررسی رابطه هویت زبانی گویشوران زبان فارسی و نوع وابستگی آن‌ها به زبان فارسی (به‌عنوان زبان مادری یا زبان دوم) با میزان پایبندی آن‌ها به هنجارهای زبان فارسی نوشتاری معیار در تلگرام پرداخت. تعداد ۱۱۵ نفر از کاربران تلگرام در مقطع کاردانی و کارشناسی به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. نخست، هویت زبانی آن‌ها از طریق پرسشنامه هویت زبانی رضایی، خطیب و بالغی زاده (۲۰۱۴) اندازه‌گیری شد. سپس، آن‌ها به دو گروه زبان مادری و زبان دوم هرکدام با زیرگروه‌های هویت زبانی بالا و پایین تقسیم شدند تا اینکه در نهایت چهار گروه هرکدام شامل ۲۵ نفر مشخص شد. برای جمع‌آوری داده‌ها، صفحاتی از نوشته‌های آن‌ها در تلگرام از حیث زبانی و بر مبنای معیارهای زبانی بررسی شد. نتایج نشان داد که هویت زبانی در گروه زبان مادری ارتباط معنی‌داری با میزان پایبندی به هنجارها داشت. همچنین، از حیث میزان تأثیر نوع وابستگی به زبان فارسی (به‌عنوان زبان مادری یا زبان دوم)، نتایج حاکی از آن بود که با هویت زبانی مشابه، میزان پایبندی گروه‌های زبان دوم در قیاس با گروه‌های زبان مادری بیشتر بوده است.

کلیدواژه‌ها: هویت زبانی، هنجارهای زبان فارسی، فارسی نوشتاری معیار، زبان مادری، زبان دوم.

مقدمه

امروزه ارتباطات انسانی تا حدود زیادی از حالت سنتی فاصله گرفته و وارد فضای جدیدی شده است که در آن افراد در اقصا نقاط جهان می‌توانند از طریق اینترنت با همدیگر ارتباط برقرار کنند. در شروع پیدایش شبکه‌های اجتماعی، هدف اصلی کاربران عمدتاً جستجو و یافتن اطلاعات موردنیازشان از طریق اینترنت بود و غالباً ارتباط زبانی بین آن‌ها وجود نداشت؛ اما به تدریج با آگاهی یافتن کاربران از قابلیت‌های فضای مجازی و کسب دانش و مهارت استفاده از آن، امکان تعامل هر چه بیشتر بین آن‌ها و آشنایی بیشتر با افراد مختلف فراهم گردید.

آن‌گونه که موسوی (۱۳۹۲) اذعان می‌دارد، ویژگی‌هایی نظیر آزادی اطلاعات و دستیابی آسان به آن، جهانی و فرامرزی بودن، هم‌گرایی و توسعه اقتصادی و شغلی از مشخصات این دوره از تعاملات انسانی می‌باشد. برخی نیز ویژگی‌هایی را برای این دوره برمی‌شمارند مانند سهولت انتقال داده‌ها و برقراری ارتباطات و برجسته شدن نوشتار به‌عنوان مهم‌ترین ابزار ارتباطات (Creeber & Royston, 2008).

امروزه، ارتباطات در فضای مجازی استفاده از مهارت نوشتاری را اقتضا می‌کند و با توجه به اهمیت بالای عامل سرعت در برقراری ارتباطات، مخصوصاً در فضای مجازی و ضرورت صرفه‌جویی در زمان و انرژی از طریق بیان بیشترین معنا در قالب کمترین کلمات و ساختارها، استفاده از نوعی زبان خلاصه در فضای مجازی اهمیت بالایی پیدا کرده است تا حدی که در مواردی علائم غیرزبانی نیز برای بیان مؤثرتر منظور به‌کاربرده می‌شوند. ولی این نوع خلاصه‌نویسی در مواردی باعث اشتباه‌نویسی و هنجارگریزی می‌شود. عوامل دیگری مانند میزان تحصیلات، آشنایی با معیارهای زبانی و آگاهی از تفاوت‌های زبان نوشتاری و زبان گفتاری نیز بر نوع استفاده گویشوران از زبان تأثیر می‌گذارند و احتمالاً با میزان پابندی افراد مختلف به معیارهای زبانی در نوشته‌های فضای مجازی رابطه دارند.

فاصله گرفتن از زبان معیار در نوشته‌های فضای مجازی نگرانی‌هایی را برای صاحب‌نظران زبان و ادب فارسی به وجود آورده است. ازجمله دلایل این نگرانی‌ها

می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تخریب زبان فارسی و بدآموزی‌هایی در استفاده صحیح از آن، تنزل سطح زبان و ادبیات، سردرگمی در تشخیص درستی و نادرستی املاي کلمات و ساختارهای زبان فارسی برای کودکانی که هم‌زمان در معرض آموزش‌های کلاسیک و نوشته‌های فضای مجازی هستند و نا‌مانوس شدن نسل جوان با متون ادبی کهن و شاخص زبان فارسی. برخی مطالعات پیشین به بررسی زبانی متون فضای مجازی پرداخته‌اند نظیر بررسی دگرگونی‌های زبان فارسی در پیام‌های شبکه وایبر (خانیک‌کی و موسوی، ۱۳۹۴)، تحلیل متون اینترنتی از منظر آسیب‌شناسی اجتماعی (رضانیا، ۱۳۸۹: سایت) و تلخیص کلمات و ترکیب نامتجانس واژه‌ها، استفاده از زبان کوچه، اعمال سلیقه در معادل‌سازی کلمات و عاریت گرفتن کلمات از زبان‌های بیگانه (بامشاد، ۱۳۹۴: سایت). مطالعات قبلی عمدتاً به توصیف تغییرات و ناهنجاری‌های زبانی در نوشته‌های فضای مجازی پرداخته‌اند ولی مطالعه چندانی درباره چرایی این مسئله و بررسی عوامل دخیل در آن صورت نگرفته است. از جمله عواملی که در نوع استفاده از زبان نقش مؤثری ایفا می‌کنند می‌توان به هویت فرد عموماً و هویت زبانی^۱ وی خصوصاً و نیز احساس تعلق گویشوران (از حیث زبان مادری بودن یا نبودن) به زبان مورد استفاده اشاره کرد.

تنوع زبانی را می‌توان یک شاخصه مهم به حساب آورد که اطلاعات مهمی درباره هویت اجتماعی افراد به ما می‌دهد (Eckert, 1989) و به عقیده بعضی‌ها، زبان نه تنها نقش ارتباطی بلکه یک نقش نمادین مهم را به‌عنوان نشانه هویت فرد ایفا می‌کند (Mar-Molinero, 2000: 3). رضایی، خطیب و بالغی زاده (۲۰۱۴: ۵۲۷) به رابطه مستحکم بین زبان و هویت اشاره کرده و می‌گویند: «زبان و هویت دو مفهوم جدایی‌ناپذیر هستند بدین معنا که زبانی که ما از آن استفاده می‌کنیم هویت ما را نشان می‌دهد و هویت ما، در عوض، زبان ما را شکل می‌دهد». هم‌چنین، مفهوم جدیدی از رابطه بین زبان و هویت به نام هویت زبانی معرفی شده است که عبارت است از رابطه مفروض یا منتسب بین پندار فرد از خود و یک ابزار ارتباط کلامی که ممکن است یک‌زبان، لهجه یا لهجه اجتماعی (مثل ادبیات ورزشی) باشد (Block, 2007).

از طرفی، با توجه به اینکه زبان مادری بودن یا نبودن، تفاوت‌هایی را به دنبال دارد، مثلاً اینکه آیا دستور زبان مورد نظر برای گویشوران زبان از نوع درونی شده خود کار است یا از نوع آموخته شده غیر خود کار، با نوع گرایش و نگرش فرد از حیث برجسته بودن هنجارهای زبانی و میزان پایداری او به آن هنجارها رابطه دارد. تاکنون، مطالعه‌ای درباره تغییرات نوشتاری در فضای مجازی از منظر تأثیر ویژگی‌های شخصی مانند هویت زبانی و نوع استفاده آن‌ها از زبان فارسی (به عنوان زبان مادری یا زبان دوم) در ایران انجام نشده است. ضرورت چنین مطالعاتی از این رو احساس می‌شود که نقش هر یک از خصوصیات فردی در میزان استفاده به هنجار از زبان فارسی در فضاهای غیر کنترل شده مشخص شود تا در نهایت با آنها نقش آن‌ها، به تأثیر صرف نوع فضا بر استفاده نا-به-هنجار از زبان پی ببریم. به بیان دقیق‌تر، فقط در آن صورت می‌توانیم بدانیم که آیا و تا چه اندازه، چنین هنجارشکنی‌هایی معلول ویژگی‌های فردی کاربران است یا صرف نظر از چنین ویژگی‌هایی، خود فضای مجازی عامل عدم پایداری به هنجارهای زبانی است؛ بنابراین، پژوهش حاضر، در ادامه مطالعات پیشین، به جای بررسی توصیفی هنجارشکنی‌های زبانی در فضای مجازی، آن‌ها را در گویشوران مختلف بر حسب هویت زبانی و احساس تعلق آن‌ها نسبت به زبان فارسی مقایسه می‌کند تا مشخص شود که آیا این ویژگی‌ها تأثیری بر میزان پایداری افراد به هنجارهای زبان فارسی معیار دارند یا خیر. جنبه نوآوری این پژوهش آن است که به بررسی علت‌های هنجارگریزی در نوشته‌های گویشوران می‌پردازد و در پی آن است که آیا صرف استفاده از زبان در فضای غیررسمی باعث فاصله گرفتن از هنجارهای زبان فارسی معیار می‌شود یا اینکه خود این امر به عوامل دیگر از قبیل هویت زبانی و دیدگاه‌ها و باورهای زبانی افراد بستگی دارد.

چارچوب نظری پژوهش

یک سلسله مباحث به شرح زیر، مبانی نظری این مطالعه را تشکیل می‌دهند. از یک سو، قبلاً به ارتباط تنگاتنگ هویت و زبان اشاره شد. از سوی دیگر، طبق نظریه تطابق گفتاری^۱

گایلز (Giles, 1979)، افراد سعی می‌کنند در تعاملات اجتماعی و زبانی با وفق دادن سبک گفتارشان با دیگران، تأیید و نگرش اجتماعی مثبت آنان را به دست آورند (Giles & Clair, 1979). گروهی از صاحب‌نظران با بهره‌گیری از اصول و مبانی روان‌شناسی اجتماعی در پژوهش‌های زبانی خود و گسترش دادن نظریه تطابق گفتاری گایلز (Giles, 1979)، آن را متأثر از برخی عوامل روان‌شناسی اجتماعی دانسته‌اند و بر جنبه‌های تعاملی آن تأکید کرده‌اند (Giles, Mulac, Bradac, & Johnson, 1987). آن‌ها همچنین به بررسی این موضوع پرداختند که چرا افراد به‌جای رعایت هنجارهای زبان معیار در یک بافت اجتماعی خاص، از استراتژی‌های گفتاری استفاده می‌کنند که آن‌ها را در دودسته استراتژی‌های گفتاری همگرا^۱ و واگرا^۲ طبقه‌بندی کردند. آن‌ها، ضمن توضیح و تبیین دلایل این‌گونه هنجار‌گزیزی‌ها، اظهار می‌دارند که تطابق در گفتار عبارت است از همسان‌سازی در نوع گفتار افراد که به دو روش همگرایی و واگرایی انجام می‌شود. منظور از همگرایی آن است که گوینده از زبانی استفاده می‌کند که شنونده با آن آشنا است و به آن تمایل دارد. در تطابق گفتاری واگرایی، گوینده سعی می‌کند از شنونده فاصله بگیرد و این فاصله را از طریق بالا بردن تفاوت‌ها در کاربرد زبان ایجاد می‌کند. این پدیده ممکن است هم‌زمان روی سطوح زبانی مختلف (فرازبانی، سبک مفاهیم، لهجه و...) رخ دهد و این نوع از تعدیل رمزها از جانب گوینده همیشه آگاهانه صورت نمی‌گیرد بلکه عموماً به صورت ناخودآگاه در گفتار اتفاق می‌فتد (Giles & Robinson, 1990).

طبق این نظریه، تفاوت در نوع زبان تولیدشده به تمایلات همگرایانه یا واگرایانه گویشوران بستگی دارد. درحالی‌که هنوز جای طرح این سؤال باقی است که خود این تمایلات برای رعایت یا عدم رعایت هنجارهای زبان معیار به چه عواملی بستگی دارند. لذا، حتی با فرض پذیرش این نظریه‌ها، لازم است به دنبال عوامل درونی یا بیرونی دیگری در افراد باشیم که احتمالاً بر میزان پابندی آن‌ها به هنجارهای زبان معیار تأثیرگذار هستند. در

-
1. Convergent
 2. Divergent

این پژوهش، منظور از زبان معیار، زبان فارسی نوشتاری (معیار) است. ازجمله این عوامل، می‌توان به عامل هویت و هویت زبانی اشاره کرد.

مطالعه‌ای با هدف بررسی دیدگاه‌ها و رفتارهای زبانی مردان و زنان در یک جامعه روستایی در دانمارک انجام شد (Ladegaard, 1998) که نشان داد که استفاده مردان از زبان غیراستاندارد نسبت به زنان همچنان به‌عنوان یک الگوی سنتی رایج است. لدگارد نتایج تحقیق را از منظر چارچوب‌های سنتی رایج مربوط به تفاوت‌های رفتار کلامی مبتنی بر جنسیت موردبررسی قرار می‌دهد و می‌گوید این چارچوب‌ها توضیح قانع‌کننده‌ای برای تفاوت‌های رفتار کلامی مردان و زنان در این تحقیق ارائه نمی‌دهند، بلکه بهتر است مفاهیم هویت اجتماعی و هویت مردان و زنان را به‌عنوان یک چارچوب مناسب برای تفسیر تفاوت‌های رفتار کلامی آن‌ها مد نظر قرار دهیم.

با در نظر گرفتن ارتباط هویت با زبان گویشوران و نگرش آن‌ها نسبت به زبان، به نظر می‌رسد نقش هویت زبانی افراد در نگرش و نوع استفاده آنان از زبان از حیث پابندی به هنجارهای زبانی قابل تأمل باشد زیرا با در نظر گرفتن مباحثی که در این قسمت مطرح شد، عامل هویت زبانی می‌تواند در ردیف محتمل‌ترین گزینه‌ها برای توجیه و پیش‌بینی میزان پابندی افراد به هنجارهای زبان فارسی معیار در فضای مجازی به حساب آید.

دگرگونی زبان در فضای مجازی

دنیای دیجیتال تغییراتی را روش‌های تعامل انسان‌ها ایجاد کرده است و به تبع آن تغییراتی را در طرز استفاده از زبان نیز به وجود آورده است. درعین‌حال، زبان نیز به‌عنوان یک روش معنا ساز تجربیات ما را شکل می‌دهد. با فراهم ساختن زمینه استفاده از زبان نوشتاری به روش‌هایی شبیه به زبان شفاهی چهره به چهره، رسانه‌های دیجیتالی امکان تفسیری منعطف، محاوره‌ای و تعاملی از نوشته‌ها را فراهم می‌سازند. مطالعات زیادی روش استفاده از زبان را در فضاهای برخط مختلف نظیر بلاگ‌ها، بازی‌های برخط، یا شبکه‌های اجتماعی موردبررسی قرار داده‌اند که به گوناگونی‌های اجتماعی در کلام رایج در دنیای دیجیتال منجر شده است (Barton & Lee, 2013).

پیشینه پژوهشی تحقیق

تحلیل کلام در مباحثات فضای مجازی از حیث اجتماعی و آسیب‌شناسی اجتماعی یکی از موضوعات مورد بررسی بوده است (رضانیا، ۱۳۸۹: سایت) که آسیب‌های اجتماعی را از طریق تحلیل مباحثات و تبادلات کلامی گویشوران فضای مجازی بررسی کرده است. یزدخواستی و دیگران (۱۳۹۲) ضمن اذعان این مطلب که شبکه‌های اجتماعی موجب سهولت در ارتباطات کلامی می‌شوند، خاطرنشان می‌کنند که امکان آسیب رساندن به تعاملات کلامی بین فرهنگ‌ها توسط این شبکه‌ها نیز وجود دارد. بررسی تغییرات زبان و نوشتار فارسی در پیام‌های سایت وایبر نیز از جمله موضوعاتی است که بعضی از محققان بدان پرداخته‌اند (خانیک‌ی و موسوی، ۱۳۹۴). استفاده نادرست از برخی عناصر زبان فارسی مانند خلاصه کردن واژه‌ها، روی آوردن به زبان کوچه، اعمال سلیقه در معادل‌سازی کلمات و استفاده از کلمات عاریتی از زبان‌های دیگر نیز از جمله موضوعاتی است که مورد توجه برخی محققان قرار گرفته است (بامشاد، ۱۳۹۴: سایت). به‌عنوان مثال، نویسنده جانشین‌سازی حروف "ث" و "ص" با حرف "س" را مطرح می‌کند و آن را نمونه‌ای از آسیب‌های وارد شده به پیکره زبان فارسی برمی‌شمارد. غلط نویسی و تغییر رسم‌الخط زبان فارسی در نوشته‌های فضای مجازی و اثرات منفی این فضا بر نوشتار زبان فارسی نیز مورد مطالعه قرار گرفته است (صباعی، ۱۳۹۴: سایت). حدادی (۱۳۹۰) نوشته‌های ایرانیان و غیرایرانیان را در فضای مجازی و واقعی بررسی کرد و دریافت که رایج‌ترین خطاهای افراد ایرانی عبارت بود از شکل فعل‌ها، انتخاب واژه، حروف اضافه، حروف تعریف، نشانه جمع، کمیت سنج‌ها و ضمائر موصولی و خطاهای افراد مالایی به شکل فعل‌ها، انتخاب لغت، نشانه جمع، حروف اضافه، حروف تعریف، کمیت سنج‌ها و ضمائر موصولی مربوط می‌شد. زندی و ربانی (۱۳۸۸) زبان پیام‌های کوتاه را با زبان معیار مقایسه کردند و دریافتند که ۶۶٪ این پیام‌های کوتاه با الفبای زبان فارسی، ۰/۲٪ به زبان انگلیسی و ۳۳/۸٪ با الفبای انگلیسی (فینگلیش) نوشته شده بودند. از لحاظ سبک نگارش، ۸۰/۸٪ به نثر و ۱۹/۲٪ به نظم نوشته شده بودند و از حیث مطابقت با دستور زبان فارسی معیار، ۹۳/۵٪ جملات با دستور

زبان فارسی معیار منطبق، ۶/۳٪ تا حدودی منطبق و تنها ۲٪ باقی مانده با دستور زبان فارسی معیار منطبق نبودند. شهریاری فرد و چلمقانی (۱۳۹۲) زبان فارسی را در شبکه‌های اجتماعی مطالعه کرده و دریافتند که زبان مورداستفاده در چت‌ها در سطوح مختلف آوایی، املائی، عناصر صرفی و نحوی در معرض تغییرات بنیادین بوده و نیازمند توجه ویژه است. علیخانی، حرمتی و ابوالحسنی (۱۳۹۶) به بررسی گرایش نوشتاری کاربران در فضای مجازی تلفن همراه پرداختند و دریافتند که کاربران به استفاده از نوعی زبان رمزگونه و نمایه‌ای تمایل دارند که این محققین آن را مشابه نوشتار هیروگلیف برشمرده‌اند.

مطالعات مشابه در این حوزه در خارج از کشور ایران یافت نشده است. لذا، در این بخش صرفاً به مطالعات پیشین در ایران اشاره شده است. بعلاوه مطالعات انجام شده در حوزه تأثیر فضای مجازی بر زبان و ادب فارسی تاکنون، چرایی هنجارشکنی‌های زبانی در فضای مجازی را از حیث نقش تفاوت‌های فردی نظیر ویژگی‌های خانوادگی، تحصیلات، جایگاه و پایگاه اجتماعی، پیشینه فرهنگی، آگاهی انتقادی زبانی، هویت زبانی، نقش زبان مادری و وابستگی گویشوران به زبان فارسی (به‌عنوان زبان مادری یا زبان دوم آن‌ها) و دیگر تفاوت‌های فردی موردبررسی قرار نداده‌اند؛ بنابراین، مسئله‌ای که هنوز نیازمند بررسی است این است که آیا در فضاهای مجازی به این دلیل که «در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی که افراد می‌توانند هویت اصلی خود را مخفی کنند و کمتر ترس از پاسخگویی به آشنایان، مجازات قانون و اصطلاحاً بی‌آبرویی دارند چگونه خود پنهانشان را آشکار می‌کنند» (عبداللهی نژاد و مجلسی، ۱۳۹۷: ۴) فاصله گرفتن از هنجارهای فارسی نوشتاری معیار زاینده ماهیت این گونه فضاها است، یا اینکه عوامل دیگری مانند خصوصیات فردی کاربران که قبلاً بدان‌ها اشاره شد نیز نقش دارند؛ و پاسخ به این سؤال فقط زمانی امکان‌پذیر است که نخست نقش تک‌تک این گونه خصوصیات فردی مشخص شود. لذا، پژوهش حاضر در پی بررسی نقش دو مورد از موارد فوق‌الذکر یعنی هویت زبانی و وابستگی گویشوران به زبان فارسی در میزان پابندی آن‌ها به هنجارهای زبانی فارسی

نوشتاری معیار در نوشته‌های فضای مجازی (تلگرام) بوده است. به بیان دقیق‌تر، این پژوهش با هدف پاسخگویی به سؤالات زیر انجام شده است.

۱. آیا میان هویت زبانی و میزان خطاهای نوشتاری گویشوران زبان فارسی در حوزه ویرایش زبانی در شبکه اجتماعی تلگرام رابطه‌ای معنادار وجود دارد؟

۲. آیا میان وابستگی زبانی گویشوران به زبان فارسی (به‌عنوان زبان مادری یا زبان دوم آن‌ها) و میزان خطاهای نوشتاری آن‌ها در حوزه ویرایش زبانی در شبکه اجتماعی تلگرام رابطه‌ای معنادار وجود دارد؟

روش‌شناسی تحقیق

متغیرها

در این پژوهش، متغیرهای مستقل عبارت‌اند از هویت زبانی کاربران تلگرام و ارتباط آن‌ها با زبان فارسی (اینکه آیا زبان فارسی زبان مادری آن‌ها است یا زبان دوم). متغیر وابسته عبارت است از رعایت کردن هنجارهای زبان فارسی نوشتاری معیار که از مجموع سه سطح زبانی، فنی و بلاغی (با الهام از مفیدی، کامیابی گل و علیزاده، ۱۳۹۶) که توسط صفار مقدم (۱۳۹۲) و ذوالفقاری (۱۳۸۵) تدوین شده است، در این مقاله سطح زبانی مدنظر قرار گرفت که مشتمل بود بر سه عنصر الف) اسم (استفاده از واژه‌های بیگانه، کاربرد نامناسب ضمیرها و تفاوت‌های گفتاری واژه‌ها)، ب) فعل (ناهماهنگی نهاد و فعل، زمان نامناسب فعل، کاربرد نادرست فعل‌های حرکتی) و ج) حرف (کاربرد نادرست حرف اضافه و حرف ربط).

نمونه آماری

نمونه آماری عبارت بود از تعداد ۱۱۵ نفر دانشجوی در مقطع کاردانی و کارشناسی به‌عنوان کاربران فضای مجازی که به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. ابتدا، رضایت‌نامه شرکت در این پژوهش را امضا نمودند. سپس، اطلاعات شخصی آن‌ها شامل جنسیت، سن، میزان

تحصیلات، زبان مادری، محل زندگی و ... از طریق پرسشنامه اطلاعات شخصی (Demographic Questionnaire) جمع‌آوری شد. حداقل سن شرکت‌کنندگان ۱۸ سال و حداکثر سن آن‌ها ۲۷ سال بود. زبان مادری آن‌ها فارسی، ترکی، کردی و لری بود. از مجموع ۱۱۵ شرکت‌کننده، تعداد ۵۹ نفر زن و تعداد ۵۶ نفر مرد بودند که پس از محاسبه نمرات آنان در پرسشنامه هویت زبانی، ۳۱ نفر به گروه زبان مادری با هویت زبانی بالا، ۲۸ نفر به گروه زبان مادری با هویت زبانی پایین، ۲۹ نفر به گروه زبان دوم با هویت زبانی بالا و ۲۷ نفر به گروه زبان دوم با هویت زبانی پایین تعلق داشتند. ولی برای یکسان‌سازی گروه‌ها و تعداد جملات بررسی‌شده در هر گروه، تعداد ۲۵ نفر به صورت یکسان در هر گروه قرار گرفت و اطلاعات مربوط به بقیه شرکت‌کنندگان مورد بررسی قرار نگرفت.

ابزار تحقیق

برای جمع‌آوری اطلاعات شخصی شرکت‌کنندگان از جمله زبان مادری و زبان دوم آن‌ها از یک پرسشنامه اطلاعات فردی ((Demographic Questionnaire که توسط محقق تهیه شده بود و با مشورت همکاران صاحب‌نظر مورد توافق نهایی قرار گرفت استفاده شد. ابزار دیگر عبارت بود از برنامه (رسانه) تلگرام برای جمع‌آوری نوشته‌های شرکت‌کنندگان. متغیر هویت زبانی از طریق پرسشنامه هویت زبانی که توسط رضایی، خطیب و بالغی زاده (۲۰۱۴) تهیه و اعتبار سنجی شده است اندازه‌گیری شد. این پرسشنامه شامل شش مؤلفه ۱- دلبستگی به زبان فارسی، ۲- دیدگاه فرد درباره تلفظ، ۳- جایگاه زبانی و اجتماعی، ۴- استفاده و قرار گرفتن در معرض زبان مادری، ۵- دانش زبانی و ۶- الفبا/رسم الخط می‌باشد که در مقیاس شش نمره‌ای از ۱ نمره (شدیداً مخالفم) الی ۶ نمره (کاملاً موافقم) به آن‌ها پاسخ داده شد. متغیر هنجارشکنی زبان فارسی نوشتاری معیار با استفاده از روش قوم‌نگاری و به صورت آماری و تحلیلی نوشته‌های کاربران در تلگرام مورد بررسی قرار گرفت.

روش انجام پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های قوم‌نگاری و توصیفی-تحلیلی بوده و از نظر مبنایی مبتنی بر روش‌های تحلیل محتوا بوده است که در آن نوشته‌های کاربران در تلگرام از حیث هنجارهای زبانی بررسی شده است. نخست، نمرات آزمودنی‌ها در پرسشنامه هویت زبانی محاسبه شد و بر اساس نمره کل هویت زبانی افراد و انحراف معیار کل گروه شرکت‌کنندگان، هر گروه به دو گروه کوچک‌تر هویت زبانی بالا و هویت زبانی پایین تقسیم شد. به تعبیر دقیق‌تر، در هر گروه، افرادی که نمره مکتسبه آن‌ها یک انحراف معیار یا بیشتر از نمره میانگین کل گروه بالاتر بود در گروه هویت زبانی بالا و افرادی که نمره آن‌ها یک انحراف معیار یا بیشتر پایین‌تر بود در گروه هویت زبانی پایین قرار داده شدند. سپس، شرکت‌کنندگان از لحاظ نوع وابستگی به زبان فارسی (زبان مادری یا زبان دوم بودن) به دو گروه زبان مادری و زبان دوم تفکیک شدند. پس از طبقه‌بندی شرکت‌کنندگان در قالب گروه‌های مختلف هویت زبانی و نوع استفاده از زبان فارسی (زبان مادری یا زبان دوم)، عکس‌هایی (snapshot) از پنج صفحه از نوشته‌های تلگرام کاربران در هر گروه که توسط خودشان به صورت اتفاقی تهیه شده بود با رضایت خودشان جمع‌آوری شد. سپس، عکس‌های دریافت شده بر روی صفحات کاغذی که اسم و مشخصات هر شرکت (ارسال) کننده در بالای آن نوشته شده بود نصب می‌شد تا بتوان آن مشخصات را در تحلیل داده‌ها مدنظر قرار داد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

جدول مخصوصی تهیه شده بود که در آن ردیف‌هایی برای درج کدهای مربوط به نوشته‌های افراد هر گروه گنجانده شده بود و محقق می‌بایست بر حسب رعایت یا عدم رعایت هنجارهای مربوطه، به-هنجار یا نا-به-هنجار بودن هر کلمه، عبارت یا جمله را بر مبنای مرجع‌های موردنظر (ذوالفقاری، ۱۳۸۵؛ صفار مقدم، ۱۳۹۲) در این پژوهش، با درج کدهای عددی (۰) و (۱) مشخص کند، بدین صورت که عدد (۰) بیانگر منطبق نبودن واحد

زبانی مورد با هنجار زبان فارسی نوشتاری معیار و عدد (۱) به معنای منطبق بودن آن بود. بر اساس این نمره گذاری، فراوانی کلمات، عبارات و جملات به-هنجار و نا-به-هنجار نیز برای همه گروه‌ها محاسبه شد و مبنایی برای تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از آنجایی که به طور متوسط تعداد ۸ جمله در هر صفحه جای می‌گرفت، در هر گروه تعداد ۱۰۰۰ جمله مورد بررسی قرار گرفت و میزان هنجارشکنی‌ها در آن گروه بر حسب تعداد موارد نادرست از منظر سطح زبانی مشخص گردید.

برای حصول اطمینان از پایایی کدگذاری داده‌ها توسط محقق، با الهام از دورنیی (۲۰۰۷: ۶۱)، از یک همکار آموزش دیده و توجیه شده خواسته شد تا مجدداً داده‌ها را بررسی و کدگذاری کند. ضریب همبستگی پیرسون (۰/۹۲) دلالت بر پایایی قابل قبول کدگذاری‌ها داشت. در مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها، پس از تعیین درصد هنجارشکنی‌ها از حیث کلمات، عبارات و جملات در هر گروه، درصد خطاهای تولیدشده توسط گروه‌ها از طریق آزمون ناپارامتری خی ۲^۱ با هم مقایسه شدند تا بتوان بر مبنای محاسبات آماری به تک‌تک سؤالات تحقیق پاسخ داد. در پایان هر بخش از محاسبات کمی، نمونه‌هایی از کلمات، عبارات و جملاتی که با آن بخش سنخیت دارند ارائه شده است، به نحوی که شواهدی برای بخش کمی مورد نظر با عینیت و شفافیت بیشتر ارائه نمایند.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت، نتایج پژوهش در قالب جدول‌های آماری و همچنین به صورت نمونه‌هایی از عین نوشته‌ها ارائه خواهند شد و پس از پاسخ دادن به سؤالات تحقیق، مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت. هر بخش از نتایج شامل فراوانی هنجارشکنی‌ها و مقایسه گروه‌ها می‌باشد. در بخش فراوانی‌ها، تعداد موارد نا-به-هنجار که توسط هر گروه تولید شده بود نشان داده می‌شود. در بخش آمار استنباطی، محاسبات مربوط به مقایسه گروه‌ها با استفاده از آزمون خی ۲ ارائه شده است که نشان می‌دهد آیا تفاوت معنی‌داری بین گروه‌ها از حیث هنجارشکنی در ساختار مورد نظر وجود دارد یا خیر. در پایان هر جدول، شرح

نتایج آماری داده شده است. بر اساس شرح‌های داده شده در هر بخش، پاسخ یا پاسخ‌هایی برای سؤالات تحقیق ارائه شده است که مبنایی برای بحث درباره نتایج تحقیق می‌باشد. در جدول‌های مربوط به مقایسه گروه‌ها، پنج مقایسه به شرح زیر صورت گرفته است. ۱. مقایسه چهار گروه، ۲. مقایسه دو گروه زبان مادری با هویت زبانی متفاوت، ۳. مقایسه دو گروه زبان دوم با هویت زبانی متفاوت، ۴. مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی بالا و ۵. مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی پایین.

جدول ۱. فراوانی‌ها

گروه‌ها فراوانی استفاده از واژه‌های بیگانه
زبان مادری هویت بالا ۱۰۸
۱۲۹ زبان مادری هویت پایین
۶۷ زبان دوم هویت بالا
زبان دوم هویت پایین ۷۰

جدول ۲. مقایسه گروه‌ها

آزمون خی ^۲ آزمون فیشر
مقدار عددی درجه آزادی سطح معنی‌داری سطح معنی‌داری
مقایسه چهار گروه ۲۳/۱۵ ۰/۰۰۰۳
مقایسه دو گروه زبان مادری با هویت زبانی متفاوت ۱۲/۱۱ ۰/۱۴۶ ۰/۱۶۶
مقایسه دو گروه زبان دوم با هویت زبانی متفاوت ۱۰/۰۷ ۰/۷۹ ۰/۷۹
مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی بالا ۱۱/۵۳ ۰/۰۰۱ ۰/۰۰۱
مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی پایین ۱۹/۴۳ ۰/۰۰۰ ۰/۰۰۰

جدول‌های ۱ و ۲ در مجموع اختلاف معنی‌داری را بین چهار گروه از حیث استفاده از واژه‌های بیگانه نشان می‌دهند ($p < 0.000$). ولی برای مشخص کردن محل دقیق این اختلاف، مقایسه‌های دوگانه انجام شد که نتایج آن‌ها در جدول ۲ نشان می‌دهد که اختلاف معنی‌داری بین دو گروه زبان مادری با هویت زبانی متفاوت و نیز بین دو گروه زبان دوم با هویت زبانی متفاوت از حیث استفاده از واژه‌های بیگانه وجود نداشت، به

ترتیب (= $p_0/15$) و (= $p_0/79$). ولی بین دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی بالا و بین دو گروه با هویت زبانی پایین اختلاف معنی‌داری وجود داشت، به ترتیب (= $p_0/001$) و (= $p_0/000$)؛ به عبارت دیگر، نتایج موجود در دو جدول بالا حاکی از آن است که تا آنجا که به زبان مادری مربوط می‌شود هویت زبانی ارتباط معنی‌داری با میزان پایبندی به هنجارهای زبانی (استفاده از واژه‌های بیگانه) ندارد، زیرا هر دو گروه زبان مادری (با هویت زبانی بالا و پایین) عملکرد مشابهی در استفاده از واژه‌های بیگانه داشتند. این الگوی نتایج برای دو گروه زبان دوم (با هویت زبانی بالا و پایین) نیز تکرار شد؛ اما نتایج نشان می‌دهد که دو گروه زبان دوم (با هویت زبانی بالا و پایین) در مقایسه با گروه‌های همسان زبان مادری، پایبندی بیشتری به عدم استفاده از واژه‌های بیگانه در فضای تلگرام داشتند.

لذا، نتایج تا این مرحله در مجموع حاکی از آن است که متغیر زبان اول یا دوم بودن ارتباط معنی‌داری با میزان پایبندی به هنجارهای زبانی دارد ولی متغیر هویت زبانی نه. به تعبیر دقیق‌تر، گویشوران زبان دوم نسبت به گویشوران زبان مادری پایبندی بیشتری به عدم استفاده از واژه‌های بیگانه در نوشته‌های خود داشتند.

نمونه هنجارشکنی‌ها

کازم نخواه دیگه باهات بچتم {کُزنامه م رو دادم منشی بزازه تو کارتابل
رئیس} {فایلت باز همیشه شاید اشکال در فرمته} {آره این استاد عضو به
آکادمی‌های کلاس بودن} {رفتم تیکت بخرم دیر شده بود}

جدول ۳. فراوانی‌ها

گروه‌ها فراوانی استفاده نامناسب از ضمیرها
زبان مادری هویت بالا ۴۴
۶۸ زبان مادری هویت پایین
۲۵ زبان دوم هویت بالا
۳۸ زبان دوم هویت پایین

جدول ۴. مقایسه گروه‌ها

آزمون خی ^۲ آزمون فیشر
مقدار عددی درجه آزادی سطح معنی‌داری سطح معنی‌داری
مقایسه چهار گروه ۰/۰۰۰۳۲۳/۲۵
مقایسه دو گروه زبان مادری با هویت زبانی متفاوت ۰/۰۳۰/۰۲۱۵/۴۵
مقایسه دو گروه زبان دوم با هویت زبانی متفاوت ۰/۱۲۰/۱۰۱۲/۷۷
مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی بالا ۰/۰۳۰/۰۲۱۵/۴۲
مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی پایین ۰/۰۰۰۰/۰۰۳۱۸/۱۰

ازلحاظ کاربرد ضمایر نامناسب، نتایج موجود در جدول‌های ۳ و ۴ مبین آن است که اختلاف بین چهار گروه در نگاه کلی معنی‌دار است ($p < 0.000$)، ولیکن نتایج مقایسه‌های دوگانه نشان می‌دهد اختلاف معنی‌داری بین دو گروه زبان دوم در میزان پایبندی به هنجارمندی در استفاده از ضمایر وجود نداشت ($p > 0.10$)؛ اما هویت زبانی اختلاف معنی‌داری را بین دو گروه زبان مادری رقم زد ($p < 0.02$)، زیرا در گروه زبان مادری با هویت زبانی بالا تعداد بسیار کمتری از هنجارشکنی‌ها در این زمینه مشاهده گردید. مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی بالا نشان داد که در گروه زبان دوم هنجارهای استفاده از ضمایر مناسب بسیار بیشتر رعایت شده بودند ($p < 0.02$) و همچنین در مقایسه بین دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی پایین مشخص شد که گروه زبان دوم تعداد کمتری از هنجارشکنی‌ها را در استفاده از ضمایر داشته است ($p < 0.003$)؛ بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که هویت زبانی فقط در گروه‌های زبان مادری ارتباط معنی‌داری با کاربرد مناسب ضمایر داشته است درحالی‌که در گروه زبان دوم چنین نبوده است. هم‌چنین، می‌توان نتیجه گرفت که علیرغم اینکه هویت زبانی در چارچوب زبان دوم ارتباط معنی‌داری با استفاده درست از ضمایر نداشته است ولی در کل متغیر زبان دوم در مقایسه با زبان مادری نقش تعیین‌کننده‌تری داشته است؛ به‌عبارت‌دیگر، با هویت زبانی برابر، گویشوران زبان دوم نسبت به گویشوران زبان مادری پایبندی بیشتری به رعایت هنجارهای مربوط به استفاده از ضمایر از خود نشان دادند که این مطلب حاکی از آن است

که زبان دوم بودن نقش مؤثرتری در میزان پایداری به هنجارهای ضمایر داشته است نه عامل هویت زبانی یا عامل زبان مادری بودن.

نمونه هنجارشکنی‌ها

{درسامون همش مونده، چه بلایی سرمون میاد؟} {علی موضوع رو بت نگفت؟} {روش حساب نکن}

جدول ۵. فراوانی‌ها

گروه‌ها فراوانی هنجارشکنی در تفاوت‌های گفتاری واژه‌ها
زبان مادری هویت بالا ۱۶۴
۲۱۲ زبان مادری هویت پایین
۷۴ زبان دوم هویت بالا
زبان دوم هویت پایین ۹۴

جدول ۶. مقایسه گروه‌ها

آزمون خی ^۲ آزمون فیشر
مقدار عددی درجه آزادی سطح معنی‌داری سطح معنی‌داری
مقایسه چهار گروه ۰/۰۰۰۳۲۲۷/۷۴
مقایسه دو گروه زبان مادری با هویت زبانی متفاوت ۰/۰۰۸۰/۰۰۷۱۷/۲۲
مقایسه دو گروه زبان دوم با هویت زبانی متفاوت ۰/۰۰۰۰/۰۰۰۱۲۴۲/۵۱
مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی بالا ۰/۰۰۰۰/۰۰۰۱۳۹/۳۵
مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی پایین ۰/۰۰۰۰/۰۰۰۱۷۱/۵۸

از لحاظ تفاوت‌های گفتاری واژه‌ها، جدول‌های ۵ و ۶ اختلاف معنی‌داری را بین چهار گروه نشان می‌دهند ($p=0/000$). برای مقایسه جزئی‌تر، گروه‌ها دوبه‌دو با همدیگر مقایسه شدند که نتایج به‌دست آمده به این شرح است: بین دو گروه زبان مادری با هویت زبانی متفاوت، دو گروه زبان دوم با هویت زبانی متفاوت، دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی بالا و دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی پایین از حیث تفاوت‌های گفتاری واژه‌ها اختلاف معنی‌داری مشاهده گردید، به ترتیب ($p=0/007$).

گروه‌های زبانی ارتباط معنی‌داری با میزان پایبندی به هنجارهای زبانی داشت که باعث شد هويت زبانی پایين تر پایبندی بیشتری به هنجارها داشته باشند. هم‌چنین، نتایج نشان می‌دهد که با وجود هويت زبانی مشابه، عامل زبان دوم بودن باعث پایبندی بیشتری به هنجارهای تفاوت‌های گفتاری واژه‌ها شده است؛ بنابراین، اگرچه در هر گروه زبانی عامل هويت زبانی تعیین‌کننده بود، ولی در مقایسه بین دو گروه زبانی (زبان مادری و زبان دوم)، عامل زبان دوم نقش مؤثرتری ایفا نمود.

نمونه هنجارشکنی‌ها

{آگه بتونم یه سر میرم پیش استاد} {مگه ایشون چند سالشه؟} {دیگه دو تا کتاب هم نمیشه خرید}

جدول ۷. فراوانی‌ها

گروه‌ها فراوانی ناهماهنگی نهاد و فعل
زبان مادری هويت بالا ۶۵
۸۹ زبان مادری هويت پايين
۳۳ زبان دوم هويت بالا
زبان دوم هويت پايين ۳۶

جدول ۸. مقایسه گروه‌ها

آزمون خی ^۲ آزمون فیشر
مقدار عددی درجه آزادی سطح معنی‌داری سطح معنی‌داری
مقایسه چهار گروه ۳۹/۸۷ ۰/۰۰۰
مقایسه دو گروه زبان مادری با هويت زبانی متفاوت ۴/۰۵ ۰/۰۴ ۰/۰۵
مقایسه دو گروه زبان دوم با هويت زبانی متفاوت ۱۰/۱۳۵ ۰/۷۱ ۰/۸۰
مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هويت زبانی بالا ۱۱/۹۸ ۰/۰۱ ۰/۰۰۱
مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هويت زبانی پايين ۲۳/۹۷ ۰/۰۰۰ ۰/۰۰۰

نتایج مربوط به رعایت هماهنگی بین نهاد و فعل نشان می‌دهد اختلاف معنی‌داری بین چهار گروه وجود داشت ($p < 0.000$) و در گروه زبان مادری تفاوت در میزان رعایت هماهنگی بین نهاد و فعل مشاهده شد ($p < 0.04$) ولی در گروه زبان دوم چنین نیست ($p < 0.71$). علیرغم اینکه دو گروه زبان دوم (با هویت زبانی بالا و پایین) عملکرد مشابهی داشتند، در مقایسه با گروه‌های همسان زبان مادری پابندی بیشتری در رعایت هماهنگی بین نهاد و فعل از خود نشان دادند، به ترتیب ($p < 0.001$) و ($p < 0.000$) که نشان می‌دهد در این حیطة نیز زبان دوم بودن ارتباط قوی‌تری با رعایت هنجارهای مربوطه داشته است.

نمونه هنجارشکنی‌ها

{تعداد دانشجویانی که درس را حذف کرده‌اند بیشتر شده‌اند} {چند نفر دیگره انصراف داده است}.

جدول ۹. فراوانی‌ها

گروه‌ها فراوانی زمان نامناسب فعل
زبان مادری هویت بالا ۶۰
۸۳ زبان مادری هویت پایین
۲۵ زبان دوم هویت بالا
زبان دوم هویت پایین ۲۸

جدول ۱۰. مقایسه گروه‌ها

آزمون خی ^۲ آزمون فیشر
مقدار عددی درجه آزادی سطح معنی‌داری سطح معنی‌داری
مقایسه چهار گروه ۳۹۴/۲۳ ۰/۰۰۰
مقایسه دو گروه زبان مادری با هویت زبانی متفاوت ۱۳/۹۸ ۰/۰۵
مقایسه دو گروه زبان دوم با هویت زبانی متفاوت ۱۰/۱۷ ۰/۷۸
مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی بالا ۱۵/۰۵ ۰/۰۰۰
مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی پایین ۱۲۸/۸۵ ۰/۰۰۰

نتایج موجود در جدول‌های ۹ و ۱۰ مربوط به مقایسه گروه‌ها از حیث هنجارهای زمان مناسب افعال اختلاف معنی‌داری در سطح دو گروه زبان دوم با هویت زبانی متفاوت را نشان نمی‌دهد زیرا هر دو گروه پایبندی مشابهی را به این هنجار از خود نشان داده‌اند ($p=0/68$). ولی در دو گروه زبان مادری، اختلاف معنی‌داری وجود داشته است ($p=0/04$). هم‌چنین، نتایج نشان می‌دهد که دو گروه زبان دوم با هویت زبانی بالا و پایین بیشتر از گروه‌های زبان مادری به هنجار استفاده از زمان مناسب افعال پایبند بوده‌اند ($p=0/000$) و این امر حاکی از آن است که در هماهنگی نهاد و فعل، با فرض یکسان بودن هویت زبانی، زبان دوم بودن نقش تعیین‌کننده‌تری نسبت به هویت زبانی در رعایت زمان مناسب افعال دارد.

نمونه هنجارشکنی‌ها

{شما می‌بایست نهایتاً تا فردا به من خبر بدهی} {استاد بنده تا بحال چند دفعه به شما ایمیل زدم}
 {بارها گفتم علاقه‌ای به این کار ندارم}

جدول ۱۱. فراوانی‌ها

گروه‌ها فراوانی کاربرد نادرست فعل‌های حرکتی
زبان مادری هویت بالا ۱۲۷
زبان مادری هویت پایین ۱۶۹
زبان دوم هویت بالا ۴۱
زبان دوم هویت پایین ۶۸

جدول ۱۲. مقایسه گروه‌ها

آزمون خی ^۲ آزمون فیشر
مقدار عددی درجه آزادی سطح معنی‌داری سطح معنی‌داری
مقایسه چهار گروه ۳۱۰۹/۷۷ ۰/۰۰۰
مقایسه دو گروه زبان مادری با هویت زبانی متفاوت ۱۶/۱۰ ۰/۰۱۰
مقایسه دو گروه زبان دوم با هویت زبانی متفاوت ۱۷/۰۷ ۰/۰۱۰
مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی بالا ۱۴۸/۰۶ ۰/۰۰۰
مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی پایین ۱۴۸/۸۳ ۰/۰۰۰

نتایج جدول‌های ۱۱ و ۱۲ اختلاف معنی‌داری را بین دو گروه زبان مادری و نیز دو گروه زبان دوم با توجه به میزان هویت زبانی آن‌ها نشان می‌دهد (به ترتیب، $(p=0.008)$ و $(p=0.008)$). این بدان معنی است که در هر گروه زبانی، زیر گروهی که دارای هویت زبانی بالاتر است پایداری بیشتری نسبت به استفاده به-هنجار از فعل‌های حرکتی داشته است. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که پایداری دو زیر گروه زبان دوم از پایداری دو زیر گروه زبان مادری بیشتر بوده است (به ترتیب، $(p=0.000)$ و $(p=0.000)$)؛ بنابراین، می‌توان گفت که باز هم در شرایط هویت زبانی مشابه یا یکسان، گروه‌های زبان دوم هنجارهای مربوط به استفاده از فعل‌های حرکتی را بیشتر از گروه‌های زبان مادری رعایت کرده‌اند.

نمونه هنجارشکنی‌ها

لُتو کی برگشتی خونه؟ (شما چه موقع به خانه برگشتید؟) لُرفتش کتابخونه (به کتابخانه رفت) لُهمون لحظه ما هم رسیدیم استادیوم (ما هم همان لحظه به ورزشگاه رسیدیم)

جدول ۱۳. فراوانی‌ها

گروه‌ها فراوانی کاربرد نادرست حرف اضافه و حرف ربط
زبان مادری هویت بالا ۹۷
۱۴۶ زبان مادری هویت پایین
۶۱ زبان دوم هویت بالا
زبان دوم هویت پایین ۶۴

جدول ۱۴. مقایسه گروه‌ها

آزمون خی ^۲ آزمون فیشر
مقدار عددی درجه آزادی سطح معنی‌داری سطح معنی‌داری
مقایسه چهار گروه ۳۵۶/۱۰ ۰/۰۰۰
مقایسه دو گروه زبان مادری با هویت زبانی متفاوت ۱۱/۲۵ ۰/۰۰۱ ۰/۰۰۱
مقایسه دو گروه زبان دوم با هویت زبانی متفاوت ۱۰/۰۸ ۰/۷۸ ۰/۸۵
مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی بالا ۱۸/۹۱ ۰/۰۰۳ ۰/۰۰۴
مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی پایین ۱۳۵/۷۸ ۰/۰۰۰ ۰/۰۰۰

در بخش استفاده از حروف اضافه و حروف ربط، نتایج نشان می‌دهد که زیر گروه زبان مادری با هویت زبانی بالا پایبندی بیشتری به هنجارهای مربوطه داشته است ($p < 0.01$) و لی در گروه‌های زبان دوم اختلاف معنی‌داری بین دو گروه از این لحاظ مشاهده نشد ($p < 0.07$). هرچند دو گروه زبان دوم عملکرد مشابهی داشتند، ولی نتایج حاکی از آن است که هر دوی این گروه‌ها (با هویت زبانی بالا و هویت زبانی پایین) پایبندی بیشتری به استفاده درست از حروف اضافه و حروف ربط در مقایسه با دو گروه زبان مادری از خود نشان دادند (به ترتیب، $p < 0.003$) و ($p < 0.000$). لذا، نتیجه کلی آن است که عامل زبان دوم بودن نسبت به عامل زبان اول بودن همخوانی بیشتری با هنجارمندی در استفاده از حروف اضافه و حروف ربط داشته است.

نمونه هنجارشکنی‌ها

{(در) دانشگاه همیشه اینترنت ضعیفه} {از) خونه تا ایستگاه مترو پیاده رفتم}
{برگه‌ها رو دادم (به) مینا برسونه (به) دست.}

پاسخ سؤالات پژوهش

به‌طور کلی، در پاسخ به سؤال اول، نتایج نشان می‌دهد که عملکرد دو گروه زبان مادری در حوزه ویرایش زبانی (کاربرد اسم، فعل و حرف اضافه/حرف ربط) برحسب هویت زبانی به نفع هویت زبانی بالا متفاوت بود. در دو گروه زبان دوم تقریباً عکس این حالت مشاهده شد زیرا فقط در تفاوت‌های گفتاری واژه‌ها و فعل‌های حرکتی میزان پایبندی دو گروه زبان دوم با هویت زبانی بالا و پایین با هم متفاوت بود و در استفاده از واژه‌های بیگانه، ضمائر، هماهنگی نهاد و فعل، زمان فعل و حروف اضافه و ربط اختلاف معنی‌داری بین آن‌ها مشاهده نشد. در پاسخ به سؤال دوم، نکته جالب توجه آن بود که تقریباً در تمامی موارد، اختلاف بین دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی بالا و بین دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی پایین قابل توجه بود. این امر حاکی از آن است که با

هویت زبانی مشابه، میزان پابندی گروه‌های زبان دوم در قیاس با گروه‌های زبان مادری بیشتر بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی ارتباط میزان خطاهای نوشتاری گویشوران زبان فارسی در حوزه ویرایش زبانی در شبکه اجتماعی تلگرام برحسب هویت زبانی و نوع وابستگی آن‌ها به زبان فارسی (یعنی اینکه آیا زبان فارسی‌زبان مادری آن‌ها است یا زبان دوم آن‌ها) پرداخت. نتایج نشان داد که در اکثر موارد هویت زبانی در گروه‌های زبان مادری با تفاوت در میزان پابندی به هنجارهای زبانی توأم بوده است درحالی‌که در گروه‌های زبان دوم عمدتاً چنین نبوده است. شاید بتوان این یافته پژوهشی را چنین تفسیر نمود که به دلیل تأثیر قابل توجه عامل زبان دوم بودن، هویت زبانی در گروه‌های زبان دوم تفاوت چندانی در میزان پابندی به هنجارهای زبانی را در پی نداشت ولی در گروه‌های زبان مادری عامل هویت زبانی با اختلاف معنی‌دار در این پابندی قرین بود. مؤید این مطلب که عامل زبان دوم بودن نقش مؤثرتری در میزان پابندی به هنجارهای زبانی در فضای تلگرام داشته است این است که هر دو گروه زبان دوم (با هویت زبانی بالا و پایین) در مقایسه با گروه‌های همسان زبان مادری پابندی بسیار بیشتری به هنجارهای زبانی از خود نشان دادند.

حداقل دو دلیل در تبیین و توجیه این یافته قابل ذکر است. الف) از آنجایی‌که گویشوران زبان فارسی به‌عنوان زبان مادری همواره در محیط‌های روزمره و غیررسمی مانند محیط منزل و محیط اجتماعی از زبان فارسی محاوره‌ای استفاده می‌کنند، همین سبک زبانی را در نوشتار خود مخصوصاً در نوشتار فضای مجازی به‌عنوان فضایی که محدودیت‌های زبان نوشتاری معیارچندان بر آن مترتب نیست به کار می‌برند. حداقل دلیل برای تسری دادن چنین سبکی در نوشتار فضای مجازی می‌تواند این پیش‌فرض باشد که بازخوردی در رابطه با میزان رعایت هنجارهای زبانی خطاب به کاربر فضای مجازی در کار نخواهد بود و لذا گویشوری که زبان فارسی‌زبان مادری او است و از هویت زبانی بالایی هم برخوردار نیست غالباً خود را مجاب نمی‌داند به هنجارهای زبانی زبان فارسی

نوشتاری معیار در نوشتار خود چندان پایبند باشد. ب) برعکس زبان مادری‌ها، برای زبان دومی‌ها که غالباً از گروه‌های اقلیت زبانی می‌باشند و معمولاً تعصباتی نسبت به تکلم به زبان مادری خودشان (زبانی غیر از فارسی) در محیط منزل و محیط‌های اجتماعی محل زندگی نشان می‌دهند، معمولاً آشنایی با زبان فارسی در موقعیت‌های رسمی کلاس و مدرسه اتفاق می‌افتد. به بیان خلاصه‌تر و درعین حال دقیق‌تر، دانش زبانی زبان فارسی برای آن‌ها دانشی اکتسابی و متأثر از آموزش‌های کلاسی می‌باشد که نه از طریق شنیدن و به صورت طبیعی بلکه از طریق آموزش و به صورت کلاسی (زبان دوم) آموخته شده است. در حقیقت، این دانش زبانی متأثر از آموزش، کتب درسی، دستور زبان اکتسابی و ماهیتاً دانش زبانی آگاهانه است که طی فرایند یادگیری، توجه زیادی از جانب فراگیر به ریزه کاری‌های صرفی و نحوی آن معطوف شده است؛ و واضح است که چنین توجه آگاهانه‌ای در رعایت هنجارهای زبانی در کاربردهای بعدی در محیط‌های مختلف کاملاً تأثیرگذار خواهد بود. مدل «آگاهی از وضعیت» (James, 1996; Labov, 1972) استفاده زنان از زبان استاندارد را بر حسب احساس عدم امنیت اجتماعی آنان در خصوص جایگاه اجتماعی‌شان توجیه می‌کند زیرا این امر نیاز آن‌ها را به کسب اعتبار از طریق زبان توجیه و برجسته می‌کند. به تعمیم معنا، شاید بتوان همین استدلال را برای استفاده زبان دومی‌ها از زبان استانداردتر به کاربرد زیرا آن‌ها به نوعی در پی کسب هویت زبانی و اعتبار زبانی بیشتر از طریق استفاده از زبان معیار هستند، درحالی‌که زبان مادری‌ها غالباً چنین دغدغه‌ای ندارند زیرا به هر حال زبان فارسی زبان مادری آن‌ها است و شاید نیاز چندانی به شناخته شدن با زبان فارسی را احساس نمی‌کنند. به نظر می‌رسد که گویشورانی که زبان دومی در رعایت هنجارهای استفاده از واژه‌ها و ساختارهای این زبان با احتیاط بیشتر عمل می‌کنند. شاید انگیزه آگاهانه یا ناخودآگاه چنین رفتار زبانی محتاطانه، حفظ هویت زبانی جدیدی باشد که در اثر آموختن زبان فارسی کسب کرده‌اند.

نکته جالب توجه دیگری که در یافته‌های این پژوهش مشهود بود آن است که غالباً در گروه زبان مادری با هویت زبانی بالا، پایبندی بیشتری نسبت به هنجارهای زبانی وجود

داشت. این یافته نشان می‌دهد که وقتی بحث زبان مادری مطرح باشد، در عین اینکه بر اساس یافته‌های این پژوهش و بنا به دلایلی که در تفاوت بین زبان اول و زبان دوم مطرح شد نمی‌توان انتظار داشت که به اندازه زبان دوم میزان پایبندی به هنجارها وجود داشته باشد، ولی می‌توان عامل هویت زبانی را به عنوان یک عامل پیش‌بینی کننده میزان رعایت هنجارهای زبانی در نظر گرفت. این یافته بر مبنای این حقیقت قابل توجیه است که فارسی‌زبانانی که احساس قرابت بیشتری با این زبان دارند و خود را با آن می‌شناسند و می‌شناسانند اهمیت بیشتری برای حفظ و حراست از معیارها و هنجارهای زبانی آن و در نتیجه اصالت آن قائل هستند. این یافته در راستای سخن بلاک (Block, 2007) است که مفهوم هویت زبانی را برای بیان ارتباط بین زبان و هویت معرفی می‌کند که در نتیجه آن فرد نوعی ارتباط بین خودپنداره خویش و زبان مورد استفاده‌اش احساس می‌کند و در واقع این دو را در ارتباط با یکدیگر می‌شناسد. چنین تصویری از قرابت و تعلق بین فردیت فرد و زبان مورد استفاده وی نوعی احساس خویشاوندی و یگانگی بین آن‌ها ایجاد می‌کند و باعث می‌شود فرد نسبت به تمامیت و اصالت آن زبان جانبداری و تعصب از خود نشان دهد. همچنین، این یافته مبین نظر رضایی، خطیب و بالغی زاده (۲۰۱۴) درباره ارتباط دو سویه بین زبان و هویت است که معتقدند زبان و هویت تأثیر متقابلی بر همدیگر دارند. یافته اخیر مؤید سخن لدگارد (Ladegaard, 1998) نیز هست، آنجا که می‌گوید تفاوت‌های کلامی مردان و زنان را نمی‌توان صرفاً بر مبنای تفاوت‌های جنسیتی توجیه نمود بلکه هویت اجتماعی و هویت مردان و زنان چارچوب مناسب‌تری برای توجیه این تفاوت‌ها است.

به عنوان نتیجه‌گیری پایانی، می‌توان گفت که پاسخ به هر دو سؤال مطرح شده در این پژوهش مثبت می‌باشد. دلیل این ادعا آن است که در رابطه با سؤال اول نتایج حاکی از آن بود که در دو گروه زبان مادری آنجا که هویت زبانی بالاتری وجود داشت رعایت هنجارهای زبانی زبان فارسی نیز بیشتر مشهود بود و در رابطه با سؤال دوم نتایج نشان داد که در شرایطی که هویت زبانی گویشوران زبان مادری و زبان دوم برابر بود گروه دوم (گویشوران زبان دوم) به هنجارهای زبانی زبان فارسی وفادارتر بودند؛ بنابراین، اگرچه

عامل هویت زبانی را می‌توان یک عامل پیش‌بینی کننده میزان پایبندی به هنجارهای زبان فارسی نوشتاری معیار به حساب آورد، نوع وابستگی افراد به زبان فارسی (به‌عنوان زبان مادری یا زبان دوم) نیز عاملی مؤثرتر و تعیین کننده‌تر در میزان وفاداری به این هنجارها می‌باشد.

منابع

- بامشاد، سمانه. (۱۳۹۴). «زبان در شبکه‌های اجتماعی مجازی». برگرفته از سایت مرکز آموزش و پژوهش موسسه همشهری، بازیابی شده در ۱۰ مهر ۱۳۹۸.
- حدادی، فرنوش. (۱۳۹۰). بررسی عملکرد نوشتاری ایرانیان و غیر ایرانیان در محیط‌های مجازی و واقعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران.
- رضانیا، آوات. (۱۳۸۹). «اینترنت و حوزه عمومی، مطالعه موردی: تحلیل سایت گفتمان». برگرفته از سایت مرکز آموزش و پژوهش موسسه همشهری، بازیابی شده در ۱۲ مهر ۱۳۹۸.
- زندى، بهمن؛ ربانى، فاطمه. (۱۳۸۸). «بررسی میزان هم‌خوانی زبان پیام کوتاه با زبان فارسی معیار». فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره ۲، شماره ۱، صص ۴۷-۷۵.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۵). الگوهای غیرمعیار در زبان مطبوعات. مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، صص ۱-۳۷۱.
- شهریاری فرد، آذین؛ چلمقانی، علی. (۱۳۹۲). «زبان فارسی در شبکه‌های اجتماعی». مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی زبان و اینترنت. تهران. نشر نویسه پارسی، صص ۲۷-۴۵.
- صباغی، علی. (۱۳۹۴). «بیداد غلط نویسی در شبکه‌های اجتماعی» برگرفته از سایت شما نیوز، بازیابی شده در ۸ مهر ۱۳۹۸.
- صفار مقدم، احمد. (۱۳۹۲). «تفاوت‌های گفتار و نوشتار در آموزش مهارت گفتاری زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان». زبان شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهاردهم، شماره سوم، صص ۱۱۵-۱۴۰. پاییز و زمستان.
- عبداللهی نژاد، علیرضا؛ مجلسی، نوشین. (۱۳۹۷). «مطالعه موردی اظهارنظرهای دنبال‌کنندگان در صفحات اینستاگرام هنرمندان ایرانی». فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۱-۶۲. تابستان.
- علیخانی، پریسا؛ حرمتی، حمیده؛ میری ابوالحسن. (۱۳۹۶). «تغییرات نوشتاری زبان فارسی در گفتگوی کاربران برنامه‌های کاربردی پیام‌رسانی تلفن همراه». فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۱۶۹-۱۹۴. پاییز.

خانیک، هادی؛ موسوی، سیده ثریا. (۱۳۹۴). «درآمدی بر مطالعه دگرگونی نوشتار فارسی در پیام‌های ارسالی کاربران وایبر». مجموعه مقالات همایش ملی تلفن همراه هوشمند و سبک زندگی. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، دهم بهمن ماه ۱۳۹۵.

موسوی، محمدعلی. (۱۳۹۲). «آسیب‌شناسی هویتی و فرهنگی رسانه‌های نوظهور با تأکید بر اینترنت در ایران به منظور ارائه راهکارهای پیشنهادی». نخستین کنگره ملی فضای مجازی و آسیب‌های اجتماعی نوپدید. تهران: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، آذر.

هدایت مفیدی، مسیحه؛ کامیابی گل، عطیه؛ علیزاده، علی. (۱۳۹۶). «فضای مجازی و زبان فارسی: غیرمعیارهای نوشتاری در شبکه اجتماعی تلگرام». مطالعات رسانه‌ای، سال دوازدهم، زمستان.

یزدخواستی، بهجت؛ عدل پور، صمد؛ کیخایی، الهام. (۱۳۹۲). «حوزه عمومی و گفتگو در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی (بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر گفتگوی میان فرهنگ‌ها)». مطالعات فرهنگ-ارتباطات، دوره ۱۴، شماره ۲۱.

- Barton, David; Lee, Carmen. (2013). *Language online: investigating digital texts and practices*. New York, NY: Routledge, pp. 206-224.
- Creeber, Glen; Royston, Martin. (2008). *Digital cultures: Understanding new media*. 1st Edition. Amazon.
- Block, David. (2007). *Second language identities*. London: Continuum.
- Dornyei, Zoltan. (2007). *Research methods in applied linguistics: Quantitative, qualitative, and mixed methodologies*. Oxford: Oxford University Press.
- Eckert, Penelope. (1989). "The whole woman: Sex and gender differences in variation". *Language Variation and Change*, 1, Pp: 245-67.
- Giles, Howard. (1979). *Accommodation theory: Optimal levels of convergence*. Oxford: Basil Black Well.
- Giles, Howard; Clair, Robert. (Eds.) (1979) *Language and Social Psychology*. Oxford: Basil Black Well
- Giles, Howard; Mulac, Anthony; Bradac, James; Johnson, Patricia. (1987). *Speech accommodation theory: The first decade and beyond*, In M. L. McLaughlin (Eds), *Communication Year Book* 10.
- Giles, Howard; Robinson, Peter. (Eds.) (1990) *Handbook of Language & Social Psychology*. Chichester: John Willey & Sons.
- James, Deborah. (1996) *Women, men and prestige speech forms: a critical review*. In V. L. Bergvall, J. M. Bing, & A. F. Freed (eds.), *Rethinking*

- language and gender research: theory and practice. London: Longman, Pp: 98-125.
- Labov, William. (1972). *Sociolinguistic patterns*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Ladegaard, Hans. (1998). "Boys, girls, language and identity: Language attitudes and linguistic behavior in a rural community in Denmark". *International Journal of Applied Linguistics*, Vol. 8, No. 1, Pp: 3-25.
- Mar-Molinero, Clare. (2000). *Competing and conflicting identities: language and nationalism in the Spanish-speaking world*. In F. Dominguez (ed.) *Ideology and discursive practices: Spain and Latin America*. Bern, CH. Peter Lang, Pp: 123-135.
- Rezaei, Saeed; Khatib, Mohammad; Baleghizadeh, Sasan. (2014) "Language identity among Iranian English language learners: A nationwide survey". *Journal of Multilingual and Multicultural Development*, Vol. 35, No. 5, Pp: 527-536. DOI: 10.1080/01434632.2014.889140